

# SID



ابزارهای  
پژوهش



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری  
STES



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی  
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word  
برای پژوهشگران

## مکتب‌های حماسی در ادبیات فارسی و نقش آنها در ترویج زبان و ادبیات فارسی

حسن حسینعلی<sup>۱</sup>

فرهاد مرادی<sup>۲</sup>

### چکیده

«حماسه» از ریشه «حمس» به معنی دلیری و دلاوری کردن است. مکتب‌های حماسی ادبیات فارسی پا به پای ترویج زبان و ادبیات فارسی دری از ناحیه خراسان بزرگ و ماورالنهر شروع شده و می‌توان «مکتب توس» را نقطه اوج آن قلمداد کرد و در قله این مکتب‌ها، «شاهنامه فردوسی» قرار دارد. شاید همین نسخه‌های شاهنامه فردوسی را بتوان به عنوان نقش بنیادین گسترش و ترویج زبان و ادبیات فارسی در نظر گرفت. هر چند که در خصوص سیر حماسه سرایی در ادبیات فارسی در این دو قرن اخیر پژوهش‌هایی توسط مستشرقین اروپایی و محققین ایرانی انجام یافته است، اما با این حال آثار حماسی ایران همچنان باز جای تحقیق و پژوهش از زاویه‌های مختلف دارند به خصوص که هنوز خیلی از منظومه‌های درجه دوم و شاید هم وجه سوم هنوز در گوشه و کنار کتابخانه‌های جهان به صورت خطی باقی مانده است. در این مقاله بر حسب شرایط جغرافیایی و فرهنگی به بحث و تحلیل رشد و ترویج مکتب‌های حماسی و نقش آنها در ترویج زبان و ادبیات فارسی با تأکید به شاهنامه فردوسی پرداخته شده است و نتیجه آن که حماسه‌های منظوم و منثور فارسی به خصوص شاهنامه فردوسی به نوبه خود سهم عمده‌ای در ترویج زبان و ادبیات فارسی داشته‌اند که البته عوامل سیاسی و اجتماعی و جغرافیایی در خلق آثار مذکور نقش مؤثری داشتند.

کلید واژه: مکتب‌های حماسی در ادبیات فارسی، ترویج ادبیات فارسی

### مقدمه:

در خصوص حماسه سرایی در ادبیات فارسی، تحقیقات گسترده‌ای به صورت مقاله یا رساله یا کتاب صورت گرفته است، اما آثار ذکر شده در ذیل را می‌توان به عنوان پژوهش‌های قابل توجه و تأثیرگذار در این زمینه معرفی کرد. هر چند که گذشت زمان و پژوهش‌های نوین این موارد را مکمل‌تر کرده است. در خصوص سیر و روند تاریخی حماسه سرایی در ایران می‌توان ژول مول (۱) را در این زمینه پیش قدم دانست اقدام ارزنده او در تصحیح و ترجمه شاهنامه فردوسی صرف نظر از بار ارزشی‌اش دارای یک مقدمه مفصلی در خصوص روند حماسه سرایی در ایران از آغاز تا قرون میانه است. هر چند که بعضی از فرضیات ژول مول امروزه دیگر رنگ باخته است، اما با این حال هنوز هم این پژوهش در نوع خود بسیار معتبر است و قابل توجه. همچنین از دیگر شرق شناسان ساعی در این زمینه می‌توان به تئودور نولدکه (۲) اشاره کرد که کتاب «حماسه ملی ایران» وی هم در قرن گذشته از آثار شاخص در این زمینه است که البته پژوهش ایشان هم دارای برخی از ارزیابی‌های ناقص است.

پس از وی نوبت به دکتر ذبیح الله صفا در ایران می‌رسد که کتاب «حماسه سرایی در ایران» را تالیف کرد این کتاب که در حقیقت پایان‌نامه دکتری صفا بود، هنوز هم به عنوان یک اثر پژوهشی قابل توجه است و می‌تواند به عنوان یک کار تحقیقی معتبر مرجع بسیاری از کارهای تحقیقی دیگر قرار بگیرد. (۳)

<sup>۱</sup>- حسن حسینعلی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید بهشتی زنجان

<sup>۲</sup> فرهاد مرادی، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان [shaer.ir@gmail.com](mailto:shaer.ir@gmail.com)

در اوایل دهه هشتاد نیز کتاب دو جلدی با نام «در قلمرو ادبیات حماسی» اثر «دکتر حسین رزمجو» وارد بازار شد که آن هم یکی از آثار ارزنده بود. (۴) و در نهایت می توان به کتاب «فردوسی و شاهنامه سرایی» اشاره کرد که شامل مجموعه مقالاتی است در خصوص حماسه های منظوم و منثور ادبیات فارسی که آن را می توان به عنوان جدیدترین اثر در خصوص سیر تاریخی حماسه سرایی قلمداد کرد. (۵) از طرفی نباید از مجموعه مقالات شاهنامه شناسانی چون دکتر «جلال خالقی مطلق» و دکتر «محمود امید سالار» غافل بود. در کلیه این آثار ناخواسته و به حق تاکید بیشتر روی قله حماسه سرایی ایران یعنی شاهنامه فردوسی شده است. در این مقاله سعی شده است که بر اساس شرایط فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی مقوله شاهنامه سرایی و حماسه سرایی برحسب مکتب های سه گانه نخستین که آن دوران را می توان «عصر حماسه سرایی» نامید و مکتب های جزئی دیگر بیان کرد. در هر صورت همه آثار منظوم و منثور حماسی در ادبیات فارسی را می توان پله ها و مدارج برای رشد و ترویج زبان و ادبیات فارسی در نظر گرفت چرا که در طول تاریخ این آثار حماسی بودند که به صورت روایی یا نقالی در میان طبقات مختلف جامعه رسوخ می کردند. اگرچه میزان نفوذ حماسه های مذکور در میان توده عوام برابر نبود، اما دقیقاً با روند گسترش زبان و ادبیات فارسی دری بر اساس شرایط سه گانه فوق الذکر ما نیز شاهد ظهور و حضور حماسه های ادبی و تاریخی هستیم.

#### حماسه در ادبیات جهانی:

واژه حماسه در لغت عربی مصدری از ریشه «حمس» است که به معنی دلیری و دلاوری کردن است. هر چند مقوله حماسه در ادبیات ملل مختلف عمری به بلندی زندگانی بشر دارد و آن را بعد از اساطیر به عنوان دومین بن مایه ادبی ملل می توان در نظر گرفت، اما توجه و تاکید به حماسه به صورت یک علم نوین از قرن هجدهم میلادی به این سو شروع شده است در ایران نیز آن را به عنوان واژه معادل «اپیک» Epic پذیرفتند و گرنه واژه حماسه قبل از قرن حاضر در ایران در همان مفهوم دلیری و دلاوری به کار می رفت. حتی امروزه در زبان عربی معادل واژه اپیک، «ملحمه» است و در حقیقت اصطلاح حماسه علاوه بر مفهوم رایج خود، به مجموعه اشعار گروهی از شاعران دوران نخستین ادبیات عرب اطلاق می شد که در ادبیات فارسی هم به آنها «شاعران حماسه» می گفتند. در حقیقت در مبحث حماسه سرایی در میان ملل مختلف و به خصوص در زبان و ادبیات فارسی، می توان آنها را به جنبه های مختلفی تقسیم کرد. شاید ساده ترین جنبه تقسیم بندی همان منظوم و منثور بودن آن هاست که البته جایگاه مورد نخست در ادبیات فارسی بیشتر و بالاتر است و بالطبع نقش آنها در ترویج زبان فارسی هم گسترده تر است. از طرفی حماسه ها را از نظر محتوا می توان به دو قسمت «حماسه طبیعی» و «حماسه مصنوع» تقسیم کرد. این تقسیم بندی نیز اگرچه امروزه بیشتر پذیرفته شده است، اما شاید تقسیم بندی سه گانه از حماسه ها، با عناوین «ملی»، «تاریخی» و «دینی و مذهبی» پذیرفته تر بود. به نظر نگارندگان این سطور هر چند که این تقسیمات سه گانه بهتر است اما علاوه بر این تقسیمات سه گانه ما می توانیم به این دو، بخش های دیگری نیز بیافزاییم و بنابراین حماسه ها را به پنج بخش تقسیم کنیم که در این زمینه به ترتیب نقش آنها در ترویج زبان و ادبیات هر ملتی رتبه بندی می کنیم. پس بنابراین حماسه «توده» و «تلفیقی» را به تقسیمات سه گانه مذکور می افزاییم.

حماسه ملی که شامل نمادها و نموده‌ها پهلوانی یک ملت در طول تاریخ است و البته باید گفت که روایت اولیه حماسه ملی یک ملت، بسیار ساده و ابتدایی و شاید هم در حد یک جنگ داخلی و قبیله ای باشد. چه بسا که بر اساس یک واقعیت تاریخی هم باشد. برای ما اثبات این امر همین روایت اولیه شاهنامه فردوسی مثال خوبی می تواند باشد که بیانگر جنگ ایران و توران بود. بر اساس تحقیقات، ثابت شده است که تورانی ها همان دسته قبایل آریایی می باشند که بصورت کوچ نشینی به زندگی خود ادامه می دادند و البته در دوران «ساسانیان» و سپس «سامانیان» و عصر فردوسی (اوایل غزنویان) بود که تورانی ها به مرور ترک قلمداد شده‌اند. همان طوری که در عصر فردوسی و بالطبع قبل از وی در شاهنامه ابومنصوری و بعید نیست که در «خدای نامه» پهلوی «آژی دهاک» به صورت ضحاک تازی نژاد معرفی شده است. چرا که در عصر فردوسی از یک سو دولت ترک نژاد غزنوی بر شرق ایران، و دولت تازی نژاد خلافت عباسی در غرب ایران حاکم بودند. البته ما همین دلیل را یکی از مهمترین دلایل نفوذ شاهنامه در میان طبقات عوام در نظر می-گیریم پس تعجبی ندارد که علاوه بر تغییر نام «آژی دهاک» در عصر فردوسی یا پیش از وی به ضحاک تازی نژاد، «افراسیاب تورانی» نیز پس از تلفیق با شخصیت «آلب ارتونقای» ترک (یکی از قهرمانان حماسی ترکان در آن روزگار) به افراسیاب ترک تبدیل شده است. (۶) برای تاکید بر این که اکثر حماسه های ملی از روایت اصلی با موضوع جنگهای

قبیله ای و داخلی شروع شده اند، می توان دو مثال دیگر نیز ذکر کرد. امروزه به دلایل سیاسی و غیره، منظومه «ایلیاد» و «اودیسه» اثر هومر بعنوان مشهورترین حماسه جهانی مطرح شده است. موضوع آن، روایت حماسی نخستین سالهای جنگ ده ساله آتنی های یونانی اروپایی نشین با تروایی های یونانی مقیم آسیاست که البته در همان روایت اصیل خود مانده است. اصولاً اگر یک اثر حماسی بصورت مکتوب و در قالب یک نظم توانمند تدوین شود، قطعاً روایت های آن پس از تدوین، دست نخورده باقی می ماند. نمونه مثال ما همین روایت های اولیه شاهنامه فردوسی است که به دلیل روایت های سینه به سینه و با توجه به مقتضیات تاریخی و سیاسی و زمانی و جغرافیایی تغییر یافته بود. اما روایات حماسی ایران پس از تدوین شاهنامه بود که به عنوان اصل اساسی و روایت غیر قابل تغییر پذیرفته شد. چراکه وقتی اثر فردوسی را با کتاب نزدیک به زمان خود یعنی «تاریخ ثعالبی» مقایسه می کنیم، علاوه بر اینکه منبع آنها واحد می باشد، باز دارای تفاوت های جزئی است. اما امروزه دیگر روایت شاهنامه به عنوان روایت قابل قبول و اساسی پذیرفته شده است و یکی از دلایل جاودانگی و ترویج آن، همان گونه که قبلاً گفته شد، می باشد اما یک مثال هم بیاوریم از یک اثر حماسی دیگر که اولاً دلیلی بر این باشد که روایت اولیه یک حماسه ملی، معمولاً یک جنگ قبیله ای است و در ثانی به مرور زمان علی رغم مکتوب و منظوم بودن آن دیگر دست نخورده باقی مانده است. حماسه «دده قورقود» که بخشی «اوغوز نامه» نامی ترکی است، بر اساس متن آن معلوم می شود که داستان های دوازده گانه این اثر جنگی داخلی ترکان اورغوز با ترکان قیچاق و ... است. در حالی که به دلیل مهاجرت اوغوزها به آناتولی و جنگ آنها با رومیان و گرجیان و ارمنیان، در روایت مکتوب همه نیروهای مخالف، مسیحی معرفی شده اند و ترکان اوغوز مسلمان. پس می توانیم بگوئیم اگر حماسه ها در همان روایت اولیه تدوین بشود روایت آنها به مرور زمان تغییر پیدا نمی کند. باز می توانیم از حماسه های هندوان یعنی «رامایانا» و «مهابهاراتا» را نام ببریم (۷) و یا همان حماسه کوتاه «گیلگمش» که به عنوان نخستین حماسه بشری در تاریخ شناخته شده است. اما شاید این سوال پیش بیاید که قبل از فردوسی افرادی چون «ابوالمؤید بلخی» و «ابوعلی بلخی» و «مسعود مروزی» و «دقیقی توسی» و «ابوالمنصور توسی» و ... نیز روایت حماسی ایران را بصورت مکتوب چه به نثر و چه به نظم تدوین کردند. پس چرا هیچ کدام ماندگار نشدند؟ اینجاست که باید پاسخ داد که این آثار آن زبان فاخر را برای بیان روایات خود برای توده های مختلف اعم از دانشی مردان و طبقه عوام نداشته اند و روایت های پراکنده از شاهنامه مذکور فقط در متون تاریخی و ادبی مانده است و البته اثر «دقیقی» به صورت ناقص در هزار بیت سروده شد که اگر این هم در لا به لای شاهنامه درج نشده بود، به سرنوشت دیگر شاهنامه ها دچار می شد.

حال در این مقاله به مکتب های حماسی ملی ایران می پردازیم که در میان این مکتبها اگر آنها را به عنوان سلسله جبالی در نظر بگیریم، مکتب «توس» در قله آن قرار دارد و از مکتب توس هم شاهنامه فردوسی در بلندی آن می درخشد. مکتب حماسه ملی ایران از خراسان آغاز شد. منظور از خراسان در طول تاریخ ایران «خراسان بزرگ» است که شامل استان های خراسان شمالی، جنوبی، رضوی، ترکمنستان امروزی و ولایت شرقی افغانستان امروزی است. در حقیقت تنها خاستگاه حماسه ملی بلکه خاستگاه زبان و ادبیات فارسی دری نیز از این منطقه است. بخش شمالی خراسان بزرگ سرزمین ماورالنهر و بخش جنوبی آن سرزمین کرمان و سیستان و بخش غربی آن ایالت قومس و جبال و طبرستان و بخش شرقی آن غزنین و کابل بود پیدایش دولت طاهریان به عنوان نخستین دولت اسلامی ایرانی از خراسان بود. جغرافیا نویسان قدیم چهار شهر بزرگ خراسان را به ترتیب نیشابور، مرو، بلخ و هرات می دانستند که در طول تاریخ، هریک از این ۴ شهر بزرگ خراسان به اندازه شهر توس که در آن زمان جز شهر های نسبتاً کوچک محسوب می شد، سهمی در حماسه سرایی داشتند. در ذیل به معرفی سه مکتب عمده حماسه ملی که نقش مهمی در ترویج زبان و ادبیات فارسی داشتند، می پردازیم.

مکتب مرو:

شهر مرو به مدت کوتاهی توسط مامون به پایتختی انتخاب شده بود، مامون که مادرش ایرانی بود بعد از سرکوبی برادرش امین مدت کوتاهی مقیم مرو بود و مجدداً پایتخت خلافت عباسی را به بغداد منتقل کرد به دلیل اقامت امام رضا (ع) در مرو در این شهر عده ای از شیعیان نیز ساکن شده و کانون توجه شیعیان و دوستداران اهل

بیت شد. (۸) علما و رجال و شاعران منتسب به این شهر را با نسبت «مروزی» می شناسیم از آن میان به شاعرانی چون کسایی مروزی و ناصر خسرو (که به بلخ هم منسوب بود) می توان اشاره کرد. اما از این میان نام «مسعودی مروزی» به عنوان یکی از شاعران شاخص در حماسه سرایی ملی باید اشاره کرد متأسفانه فقط دوبیت آغاز شاهنامه وی و یک بیت آخر آن باقی مانده است وی به عنوان نخستین ناظم داستانهای ملی ایرانیان شناخته می شود و البته با توجه به محیط حاکم بر مرو و این که بین حماسه سرایی و مذهب تشیع ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، بعید نیست که مسعودی مروزی نیز یکی از شاعران شیعی باشد. ایران دوستی در شعر شاعرانی چون کسایی مروزی و ناصر خسرو هم نمود دارد و این دو شاعر در آثار منظوم باقی مانده که خود علاوه بر بروز جلوه ی تشیع خودشان، ذکری از شخصیت های داستانهای حماسی ایران را هم در آثار خود کرده اند. و از طرفی حمله به خلافت عباسی و دولت غزنویان در اشعار آنها مشهود است. البته می توان دلایل دیگری نیز از ایران دوستی شعرای مرو به دست آورد، به خصوص این که ناصر خسرو در قصیده معروف خود نقش و جایگاه زبان فارسی دری را گوشزد می کند (۹) متأسفانه ما از شاهنامه مسعودی مروزی و منبع اصلی وی چیزی نمی دانیم. شهر مرو امروز با عنوان «ماری» جز شهر های جمهوری ترکمنستان می باشد. و شیعیان باز در آن شهر ساکن هستند.

مکتب بلخ:

شهر بلخ به عنوان یکی از شهر های بزرگ خراسان بزرگ آن روزگار به شمار می آمد که امروزه یکی از شهرهای افغانستان محسوب می شود. در شهر بلخ، تعداد شاعران پارسی گوی نخستین، نسبت به دیگر شهرهای خراسان زیاد است و در قرون چهارم و پنجم شاعرانی چون شهید بلخی، ابوشکور بلخی و صانع بلخی و بخصوص عنصری بلخی را می توان به عنوان شاعران شاخص این شهر معرفی کرد اما پیش از این شاعران دو تن از رجال این شهر به تدوین شاهنامه البته به صورت منثور پرداخته اند که از آن میان می توان به ابوالمؤید بلخی اشاره کرد که شواهد زیادی از شاهنامه وی در متون تاریخی و ادبی آمده است و از دیگر نوشته های همشهری و احتمالاً هم عصر وی می توان از ابوعلی بلخی یاد کرد که فقط ابوریحان بیرونی در «آثارالباقیه» از شاهنامه ی او سود جسته است از این دو شاهنامه غیر از نقل قول های پراکنده هیچ اطلاعی به دست نیامده است. شاعر شاخص شهر بلخ یعنی عنصری بلخی هر چند که در اشعار و قصاید خود از قهرمانان داستان اساطیری و حماسی ایران ذکر کرده است، اما ممدوحش سلطان محمود غزنوی را بر قهرمانان شاهنامه ترجیح می دهد. نمی دانیم که شاهنامه یاد شده در دیوان عنصری منظور کدام شاهنامه است؟ (۱۰)

مکتب توس:

توس هر چند نسبت به چهار شهر خراسان نسبتاً کوچک تر بود اما جزو شهرهای باستانی محسوب می شد و با مناطق و محلاتی چون سناباد، رادکان، نوقان، باژ، طابران و ... و وجود مدفن امام رضا موجب اقبال شیعیان و دوستداران اهل بیت نسبت به آن شهر شده و همین عامل باعث ایجاد محلات شیعه نشین شد. وجود درگیری های فرقه ای و تضارب آرا و عقاید حتی باعث ظهور رجال در زمینه های مختلف علمی و فقهی و ... گردید که از آن میان حتی به افراد متعصب در مذهب اهل سنت چون خواجه نظام الملک توسی و امام محمد غزالی اشاره کرد و هم به وجود شاعران و دانشمندان شیعی چون دقیقی، توسی و فردوسی و ... بنابر این توس را باید هم از نظر میزان اقبال قابل توجه به حماسه سرایی و هم خلق آثار برتر و ماندگار حماسی چون شاهنامه بیشتر سهیم دانست. قبلاً گفته شد که در میان مکتب های حماسی ملی، رتبه اول به توس اختصاص دارد و در میان مکتب توس هم شاهنامه فردوسی رتبه نخست را به خود اختصاص داده است.

ارتباط تنگاتنگی می تواند در خصوص شیعی گری و خلق حماسه های ملی وجود داشته باشد. البته در خصوص بحث فضایل خوانان و مناقب خوانان و همچنین نظر مولف «علی نامه» و مولف «النقص» نباید فراموش شود. (۱۱) اما به هر حال محیط ادبی و اجتماعی و سیاسی حاکم بر توس را اگر با سایر شهر ها مقایسه بکنیم می توانیم این شهر را شهر حماسه سرایی

بنامیم همچنین در خصوص شهرهایی چون بلخ و مرو و نویسندگانی که نام بردیم شاید هدف آنها بیشتر ثبت داستان های حماسی بود و نه خلق شاهکار حماسی.

مکتب توس با خلق شاهنامه منشور ابو منصور شروع می شود. هرچند غیر از مقدمه این اثر چیزی به دست نیامده است اما با مطالعه مقدمه باقی مانده آن اثر، انگیزه ابو منصور عبد الرزاق حاکم توس و ابو منصور المعمری وزیر و مشاور وی و فضای حاکم بر شهر توس را در آن روزگار می توان دریافت اقدام اولیه ابو منصور عبد الرزاق در گردآوری راویان داستان از مناطق مختلف بود که یکی از این راویان منتسب به شهر مرو یعنی همان «آزادسرو» بود که نام وی هم به کرات در شاهنامه فردوسی آورده شده است، بنابراین تدوین این اثر بر عکس شاهنامه های قبلی کار یک نفر نبود بلکه محصول یک رنسانس اندیشه جمعی بود. در خصوص مذهب ابو منصور اطلاع چندانی وجود ندارد. اما به هر نحله ای و فرقه ای که منتسب باشد. نقش وی نقطه عطفی در مبحث حماسه سرایی در تاریخ بود، بعد از تدوین شاهنامه ابو منصور، این دقتی بود که نظم شاهنامه را به محک کشیده و از داستان ظهور زرتشت شروع کرد. دقتی را هرچند زرتشتی می دانند، اما این نمی تواند نظر استواری باشد و صرفاً می توان به علاقه او به زرتشتی اذعان کرد در میان ابیات پراکنده به دست آمده از دقتی، رنگ شیعی نیز در میان تفکرات وی پیدا شده است. (۱۲) قتل دقتی به وسیله غلام خود فرصتی را برای دهقان زاده ای نجیب فراهم کرد تا بر تکیه با قدرت بیانی شعر خویش، شروع به سرایش شاهنامه کند و او کسی جز فردوسی نبود و در حقیقت این فردوسی بود که باید نقش او را ترویج زبان و ادبیات فارسی بعد از سرودنش یا به یاری تاریخ بینیم. خیلی از محققان بر این باورند که در دوره غزنویان شدیداً شاهنامه ستیزی شده است و البته باید این نظر را هم درست پنداشت اما آنچنان که غلو می شود در نیمه دوم دولت غزنویان شاعری مثل عثمان مختاری را می بینیم که کتاب «شهریار نامه» را می سراید و از طرفی هم شاعری مثل مسعود سعد سلمان «اختیارات» یا همان برگزیده شاهنامه فردوسی را ترتیب می دهد که به اختیارات شاهنامه معروف است. شاید همین دلایل را در نفوذ شاهنامه به عنوان مروج زبان فارسی در دوره ی غزنوی کافی بدانیم نام هایی چون بهرام شاه و خسرو ملک در بین آخرین سلاطین غزنوی شایان توجه است. عدم استفاده ابوریحان بیرونی از شاهنامه فردوسی و همچنین عدم ذکر این اثر در بخش باقی مانده ی تاریخ بیهقی نشانگر سانسور شدید نفوذ شاهنامه در دربار اوایل دولت غزنوی است، هر چند که اواخر این سلسله عدم ذکر شواهدی از شاهنامه در کلیله و دمنه بهرامشاهی هستیم و در ظاهر این ذهنیت را بار می آورد که همچنان شاهنامه ستیزی شاید در میان غزنویان به قوت خود باقی باشد اما با نمونه های تاریخی که در سطور بالا از آنها ذکر کردیم اقبال به شاهنامه بعد از سلطان محمود غزنوی و سلطان مسعود سیر صعودی داشت.

حدود چهل سال بعد، خاتم مکتب توس یعنی «اسدی توسی» را می توان از جنبه های مختلف مروج زبان و ادبیات فارسی قلمداد کرد. اول از همه آنکه اسدی توسی منظومه حماسی «گرشاسب نامه» را سرود که به اعتراف اهل فن بعد از شاهنامه فردوسی به خوبی از نظم یکی دیگر از بخش های باز مانده داستان های حماسی بر آمده است. نقش دوم وی را می توان در تالیف نخستین فرهنگ لغت فارسی در زبان فارسی دانست که باز بیشترین شواهد شعری را به فردوسی اختصاص داده است، این کتاب در منطقه آذربایجان تدوین شده است و با بررسی سبک نوشتاری آن می توان به نقش اسدی توسی در ترویج زبان و ادبیات فارسی در شمال غرب ایران پی برد که زبان پهلوی و عربی نیز در آن حکمفرما بود. مشوق اسدی توسی اردشیر بن دیلم سپار قطبی شاعر است. در حقیقت در آذربایجان قرن پنجم و اوایل قرن ششم اقبال و روی آوردن به زبان دری بیشتر محسوس می شود و این روند را می توان به عنوان پایه اول در این خصوص در نظر گرفت و ما باید مدیون اسدی طوسی در ترویج زبان و ادبیات فارسی دری در شمال غربی ایران باشیم اسناد دیگری داریم که هم زمان با این اقدام اسدی توجه و اقبال به زبان فارسی دری در منطقه مذکور وجود دارد، به عنوان مثال وقتی ناصر خسرو به تبریز وارد می شود. از شاعر فارسی گوی آذربایجان یعنی قطران تبریزی نام می برد که دیوان «منجیک» و دقتی را برای رفع اشکال نزد وی می آورد. (۱۳) همین قطران نیز علاوه بر دیوانش، تقریباً در این دوران گویا کوششی برای تدوین فرهنگ لغت انجام داده بود که نسخه هایی به نام او منسوب است. از طرفی در کنار فرهنگ «لغت فرس» قدیمی ترین دستنویس کتاب فارسی یعنی «الابیه» اثر موفق هروی به خط اسدی است و فراموش نکنیم که اردشیر بن دیلمسپار قطبی نیز یک نسخه ترجمان البلاغه را به دست خود تدوین کرده است که نسخه خطی آن هم اکنون موجود است (۱۴) این حاشیه کوتاه به ما این نکته را ثابت می کند که نقش مکتب توس صرفاً در حوزه حماسه سرایی در ترویج ادبیات فارسی نبود. بلکه استنساخ نسخه های خطی نیز از کتاب های مختلف فارسی نیز نقش دیگری در این زمینه بود که از بحث این مقاله خارج است.

دوران زندگانی اسدی توسی همزمان با «مکتبری» و روی کار آمدن سلجوقیان بود. باز به زعم عده ای تصور بر این است که دوران سلجوقیان شاهنامه ستیزی همچنان به قوت خود باقی بود. اما ما باید این گونه اصلاح کنیم که در دوران سلجوقیان فقط شمع فروزان حماسه سرایی ملی در توس خاموش شد، ولی از حماسه مذهبی - تاریخی که در سطور بعدی توضیح داده ایم توس شاهد خلق آثار دیگری شد. همان گونه که قبلا گفته شد از همین شهر سنیان متعصب مورد حمایت دربار سلجوقی ظهور پیدا کردند که به عنوان مثال می توان از خواجه نظام الملک توسی و غزالی توسی نام برد. اما کانون توجه در این خصوص شهر ری بود که به کانون حماسه سرایی نیز بدل شد و این مکتب را می توان آخرین مکتب حماسه ملی قلمداد کرد. ما فقط نام دو شاعر از میان شاعران مکتب ری را می شناسیم یکی «ایران‌شاه ابن ابی‌الخیر» صاحب دو اثر « بهمن نامه » و « کوش نامه » و دیگری هم «عمید عطایی رازی» صاحب «برزنامه» و «بیژن‌نامه». در خصوص ایران‌شاه بن ابی‌الخیر هر چند که به رازی بودن وی در منابع اشاره نشده است، اما وجود شخصی به نام «شهمردان بن ابی‌الخیر رازی» که اتفاقا با بررسی آثارش ایران دوستی وی نیز آشکار است و نام های ایرانی این دو در حقیقت احتمال برادر بودنشان را قوی می سازد. دو اثر «بهمن نامه» و «کوش نامه» که به «محمد بن ملک‌شاه سلجوقی» تقدیم شده است، نشانگر اقبال سلاطین سلجوقی به مقلدین شاهنامه است و البته آثار بعدی منسوب به عمید عطایی رازی است که شاعر دربار دوره متاخر غزنویان محسوب می شد و اگر واقعا انتساب این دو منظومه به عمید عطایی صحت داشته باشد، همین عامل می تواند دلیل دیگری باشد بر توجه و اقبال پادشاهان اواخر غزنویان به منظومه های حماسی به طوری که با احتساب «شهریار نامه» عثمان مختاری و منظومه عطایی رازی «مکتب غزنین» را به عنوان یکی دیگر از مکاتب فرعی در حوزه حماسی قلمداد کرد. (۱۶) بقیه منظومه‌های مربوط به حماسه ملی در حقیقت به شرح حال شخصیت اساطیری و حماسی مربوط به خاندان رستم می پردازد و این منظومه ها اکثرا کوتاه و یا نویسندگان آن ها گمنام هستند. که به تفضیل نام آن منظومه ها در جای جای منابع ارزشمند تحقیقی اشاره شده است و در سطور بالانیز آمده است. با توجه به این که موضوع این مقاله نقش حماسه های فارسی در ترویج زبان و ادبیات فارسی است باز می گردیم به نقش شاهنامه فردوسی و نفوذ اندک شاهنامه در اواخر غزنویان، اما با توجه به اینکه شاهنامه فردوسی و نفوذ فرهنگی آن در میان سلاطین سلجوقی مخصوصا دولت سلجوقیان روم بسیار محسوس است، از اواخر دولت سلجوقیان بزرگ، پادشاهان سلجوقی علاقه وافری به شاهنامه داشتند. هر چند که شاعرانی چون «معزی» و «انوری» همانند سلف پیشین خود یعنی عنصری و فرخی نسبت ممدوحان خود غلو کرده و آنان را برتر از قهرمانان شاهنامه دانسته بودند، اما در اواخر دوره سلجوقیان نفوذ شاهنامه را رفته رفته احساس می کنیم. مطابق نقل «تاریخ جهانگشای جوینی» طغرل سوم آخرین پادشاه سلجوقی ایران در نبرد با خوارزمشاه اشعاری از شاهنامه را قرائت می کرد (۱۷) و پس از آن نیز در میان سلجوقیان روم می بینیم که آنها نام پادشاهان اساطیری ایران چون کیکاووس و کیخسرو را برای فرزندان خود برگزیده اند. از طرفی شاهنامه خوانی نیز در دربار آنها متداول بوده است. باین حال شاید عصر مغولان را نقطه عطفی در توجه به شاهنامه فردوسی بدانیم و شاید هم نفوذ زبان فارسی در قلمرو تیموریان در سده بعد از حمله مغولان را در این امر دخیل بدانیم. حمله مغولان در واقع تحقیر ملت ایران بود، علی رغم حکومت سه سده‌ای که ترکان غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهیان داشتند، ولی به دلیل اکثریت تمایل مذهب مردم ایران به اهل سنت و جماعت و نفوذ نسبتا معنوی خلیفه عباسی را در دربارهای مذکور (به استثنای بخشی از دوره خوارزمشاهیان) هنوز رشد احساسات ملی و ناسیونالیستی در میان ایرانیان آن گونه که انتظار می رفت، صورت نگرفته بود، لکن ملت ایران بعد از سال ۶۱۶ مغولان را به چشم کافر نگریستند. علی رغم ویرانه ها و نتایج زیان باری که از سوی مغولان متوجه مردم و فرهنگ ایرانی شد، اما عواملی چون تساهل مغولان نسبت به ملل مختلف علاوه بر مقدمات رشد تشیع در ایران، توجه به فردوسی و شاهنامه نیز صورت گرفت، تا قبل از حمله مغولان فقط یک نسخه از شاهنامه فردوسی با تاریخ ۶۱۴ ه.ق باقی مانده است و بعد از سال ۶۱۶ ه.ق هر چه به این سوتر می آییم تعداد نسخه های خطی شاهنامه رو به افزایش است، هر چند که رفته رفته دیگر اثری از حماسه ملی نمی بینیم اما دو گونه آثار حماسی که در رگه هایی از آنها، تقلید از شاهنامه نیز در آن به چشم می خورد؛ به صورت فزاینده گسترش یافت یک گونه از آنها حماسه های دینی و مذهبی بود و دیگری نیز حماسه تاریخی. هر چند که توجه به این دو گونه حماسی ابتدا از قرن ششم شروع شده بود، اما در دوران ایلخانان و سپس دوره تیموریان و صفویان توجه به آنها رو به افزایش بود.

تا سال ها تصور بر این بود که حماسه دینی با منظومه بزرگ «خاوران نامه» اثر ابن حسام خوشفی منتسب به خوشف از نواحی خراسان است، اما با پیدا شدن یگانه نسخه ارزشمند «علی نامه» سروده ربیعی از شاعران منتسب به نیشابور، عمر و قدمت حماسه های مذهبی و دینی در سه قرن پیش تر برد در سطور پیش گفتیم که بین مذهب تشیع ایرانی و روح حماسه ملی ایرانی ارتباط تنگاتنگی بود و اکثر شاعران مکتب توس و شاید هم مکتب ری و مکتب مرو، شیعی بودند. اما این دو مورد نیز ثابت می کند که عده ای از شاعران شیعی نیز هدفشان مقابله با این روحیه بود و بینش و نظرات این دسته هم چالش برانگیز بود. «ربیعی» شاعر گمنام و هم عصر اسدی توسی در چندین جای «علی نامه» فردوسی را متهم به تشویق قرار گرفتن از سوی پیروان مذهب کرامیان برای تنظیم شاهنامه می داند. (۱۸) نظیر این مسئله را ما در کتاب «النقص» می بینیم. اینجاست که مناقب خوانان اهل بیت را مقابل فضایل خوانان و داستان سرایان شاهنامه می بینیم و همین عامل باعث شد که عده ای نیز به سرودن منظومه های دینی به خصوص در شأن حضرت علی بپردازند و این گامی دیگر در ترویج زبان و ادبیات فارسی بود. اما باز دو نکته نباید ناگفته بماند، در خصوص نقش شاهنامه فردوسی و دیگر داستان های حماسه ملی که محرک عده ای شد تا در تقابل فرهنگی با آن آثار دینی حماسی سروده شوند. اما در بعد مذهبی، اغراق در شخصیت علی (ع) در همان زمان وی در کوفه رشد کرد و در صورت عادی فقط اخلاقی و جوانمردی حضرت علی در نحله های تصوف و فتوت ادامه داشت و این بار «ربیعی» در جای جای اثر خود همانند یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی (که قطعاً متعلق به شاعر دیگری است) در مقدمه خود به شاهنامه فردوسی و داستان های دروغ می نازد. پس سرودن این گونه منظومه های دینی و حماسی را که از آثار ارزشمند هستند و نقشی نیز در ترویج این ادبیات کهن در این برهه داشته باشند، را مدیون شاهنامه می دانیم یعنی اگر شاهنامه نبود، شاید نظاره ها و تقلیدها و نقیضه ها هم در ادبیات فارسی به وجود نمی آمدند. ربیعی هر چند بن-مایه اساسی حماسه را در علی نامه نیاورده است، قریب به نیم دهه بعد از سرودن علی نامه شاهد داستان منثور «حمزه نامه» یا «رموز حمزه» هستیم. روایتی که البته به مرور زمان، صورت تغییر یافته ای از آن به دست آمده است. (۱۹)

نمی دانیم چند منظومه در شرح شخصیت پهلوانی و حماسی حضرت علی (ع) پس از «علی نامه» سروده شده است و این «علی نامه» هم به صورت ناقص از بخت خوش زمانه به دست ما رسیده است. علاوه بر این شاید حماسه های تلفیقی «دینی-ملی» را داشته باشیم. همین «حمزه نامه» که در آن حمزه عموی پیامبر با بزرگمهر ایرانی مشترک به خلق ماجراهای خود بر می دارند به عنوان مثال می توانیم ذکر کنیم. در زمینه حماسه «ملی و دینی» و روایت هایی از «رستم نامه» را می توان در نظر گرفت که در آن نویسندگان ناشناس سعی کرده اند. قهرمان ملی ایران یعنی رستم را رو در روی حضرت علی (ع) قرار دهند که بالطبع پیروزی با علی (ع) است. در برخی از روایت ها رستم به دست حضرت علی (ع) کشته می شود و در برخی از آنها نیز رستم پس از شکست خوردن، کشته می شود. (۲۰) البته این رستم نامه ها را با رستم نامه منثور و عامیانه که بر اساس شاهنامه در دهه های متأخر تألیف شده است، نباید اشتباه گرفت. در قرن نهم هجری سرایش «خاوران نامه» ابن حسام خوشفی نقطه عطفی در حماسه سرایی دینی بود. از زمان تدوین «علی نامه» تا «خاوران نامه» چهار قرن فاصله است، متأسفانه حلقه های گمشده حماسه های دینی از فاصله تدوین این آثار از شناخت سیر تطور حماسه های مربوط به علی (ع) ما را عاجز می سازد، ولی با این حال پس از زمان سرایش «خاوران نامه» ما متوجه منظومه های دینی چه به صورت منظومه های دینی که در راس آنها علی (ع) قرار داشت و به خصوص با روی کار آمدن صفویان تعدد منظومه های دینی چه به صورت منظومه های صرف تاریخی چه منظومه حماسی دینی به خصوص در شان علی (ع) افزایش یافت از دیگر شخصیت هایی که از دوره صفویه به عنوان پهلوان حماسی در میان شاعران مورد توجه واقع شد، شخصیت «مختار» است. با تدوین «مختارنامه» به وسیله حسام الواعظ هروی بار نخست مختار را به عنوان شخصیت داستانی و نسبتاً حماسی مشاهده می کنیم. قطعاً شاعران بسیاری در منظوم کردن مختارنامه طبع آزمایی کرده اند که نسخه های خطی مختلف از مختارنامه ها را می توان اشاره کرد. اما از آن میان می توان به «مختارنامه» منظوم عبدالرزاق بیک دنبلی در اوایل دوره قاجار اشاره کرد. در دوران قاجاریه به اثراتی مثل «حمله حیدری» اثر «باذل مشهدی» و دیگری اثر «ملا بمانعلی کرمانی» بیشتر توجه شده و با پیدایش صنعت چاپ، نسخه های چاپ سنگی از این دو اثر منتشر شد. از نظر ادبی این دو اثر با سایر آن منظومه های حماسی دینی نمی توانند به پای شاهنامه برسند.



در اواخر قاجار دیگر منظومه های دینی صرفا به صورت منظومه کوتاه، بلند صرف تاریخی انجامید که البته قدمت این گونه آثار به قرن هشتم می رسد که شخصیتی مثل ملا حسن کاشی در خلاصه ای از شرح حال پیامبر و ائمه دوازده گانه با نام «تاریخ محمدی» از این گونه است، و در دوره صفوی نیز منظومه های چندی سروده شده بود. اما منظومه «اخبارنامه» در شرح حال چهارده معصوم در دوره قاجار خوش درخشید. اما از نظر ادبی به پای شاهنامه نمی رسد. پس نقش منظومه فارسی را به صورت دیگر در دوران متاخر شاهد شدیم که با رد پای غیر مستقیم فردوسی و شاهنامه در آن جاری بود. یقینا چه سرایندهان داستان های حماسی ملی و چه حماسی دینی و چه حماسی تاریخی که پس از این سطور خواهد آمد همگی شاهنامه را خوانده و سعی و تلاششان بر این بود که یا در تقابل با شاهنامه و یا در تعارض و تقلید از آن آثاری را در زبان فارسی خلق کنند و خواه و ناخواه شاید شاهنامه خوب یا بد بر روی آن آشکار است. اما نقش ترویجی و ادبی در حماسه های دینی به این نکته ها ختم نشد و امروزه ترجمه قرآن به صورت منظوم و بر وزن بحر متقارب که همان وزن شاهنامه است به همت چندین نفر صورت گرفته است که مسلما فراگیری و تسلط بر محتوای قرآن را ساده تر می کند. ما در این مقاله به دلیل تنگی حجم مقاله از بررسی خیلی از آثار منظوم ترویجی در قالب تقلیدی شاهنامه چشم پوشی کردیم. بیان این نکته لازم است که حماسه های دینی و مذهبی نیز به پیروی از استاد فرزانه توس در میان احساسات دینی و مذهبی ایران به زبان فارسی و در قالب منظومه پرداخته شدند.

حماسه های تاریخی:

حماسه های تاریخی با «ابو مسلم نامه»ها و «اسکندر نامه»ها شروع شد. خود نظامی همچنان که از مقدمه منظومه اش برمی آید، در لابه لای این آثار تاثیرپذیریش از شاهنامه آشکار می شود، هرچند که چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اثر نظامی تفاوتی چشم گیر دارد. چرا که نظامی علاوه بر شاهنامه فردوسی نظری هم بر اسکندر نامه های منظوم داشته است. (۲۱)

در دوره خوارزمشاهیان نیز شاعری به نام «پاییزی» شروع به سرودن منظومه در قالب تاریخ با عنوان «شهنشاهنامه» کرده بود، اما در دوره مغولان بود که تقلید های صرفا تاریخی در برابر و به تقلید از شاهنامه سروده شد که تا عصر حاضر ادامه دارد.

مکتب تبریز:

«مکتب تبریز» را می توانیم به عنوان تنها مکتب ماندگار در حماسه تاریخی بدانیم که از این منظومه ها تعداد اندکی اخیرا چاپ و منتشر شده اند. در مکتب تبریز منظومه های اختصاصی سروده شده اند که به عنوان مثال می توان از «غازان نامه» و «شهنشاهنامه چنگیزی» و «چنگیز نامه» اشاره کرد و یا کتابهایی که در حقیقت می توان آنها را ذیل شاهنامه قلمداد کرد، که می توان به عنوان نمونه به «همایون نامه» اثر زجاجی تبریزی و همچنین کتاب «ظفر نامه» نام برد که ظفر نامه را می توان حجیم ترین منظومه فارسی دانست که ۷۵۰۰۰ بیت است و حوادث صرفا تاریخی را از آغاز تا سال ۷۴۰ به عنوان ذیل شاهنامه در خود آورده است. نظم درباره حوادث تاریخی به صورت مختصر بعد از سرآیندن ظفر نامه ادامه داشت اما اقبال و استفاده چندانی از آنها نشد اما تعدادی از این آثار به اندازه شاهکارهای ادبیات فارسی خوش درخشیده اند و بر ترویج زبان و ادب فارسی در قالب منظومه تاریخی - حماسی یا منظومه صرفا تاریخی تاثیر گذاشته اند. بی مهری به زبان و ادبیات فارسی موجب شده است که این گونه نقش ترویجی آن را به دوره ایلخانان ختم پذیرد اما لازم است به این نکته اشاره کنیم که افزایش منظومه «حماسی- تاریخی» یا صرفا «تاریخی» تا پایان دوره قاجار مهم ترین دلیل برای ما می باشد.

مکتب هرات:

در دوره تیموریان و به خصوص در اواخر آن نیز توجه به شاهنامه زیاد و جایگاه هرات در حوزه حماسه ملی مربوط به پیش از دوره تیموریان بود. ما در قرن هفتم شاعری به نام «مادح هروی» را می شناسیم که منظومه «جهانگیر نامه» وی در دسترس است، اما در اواخر قرن نهم، هرات بعد از تبریز در دوره ایلخانی، به عنوان نماینده حماسه های تاریخی بود و این

روند تا زمان ویرانی هرات به وسیله اوزبکان در اوایل دوره صفویه ادامه داشت. «هاتفی خرجودی» خواهر زاده جامی با سرودن «تیمور نامه» و اثر ناقص «شاه اسماعیل نامه» و سپس «قاسمی گنابادی» با سرودن «شاه اسماعیل نامه» و «شاه طهماسب نامه» آثاری صرفاً تاریخی با بن‌مایه اندک حماسی خلق کردند و پس از آن‌ها نیز این روند نیز به شکل قابل توجه در دربار صفویان ادامه پیدا کرد. با این حال معلوم می‌شود که ترویج زبان و ادبیات فارسی در قالب منظومه حماسی تاریخی ولو به صورت ضعیف همچنان ادامه دارد.

مکتب دکن:

یکی از علل ترویج زبان و ادبیات فارسی در خارج از قلمرو ایران سرودن نظیره های شاهنامه در قالب حماسه های تاریخی بود که چه در «دکن» واقع در هندوستان و چه در آناتولی که ابتدای قلمرو سلجوقیان روم و در نهایت امپراطوری عثمانی بود حتی بسامدها، نظیره های منظومه تاریخی و حماسی را بیشتر می‌بینیم. «بهمن نامه» آذر توسی که خود زاده‌ی توس و بزرگ شده هندوستان است با «بهمن نامه» ایران‌شاه بن ابی‌الخیر نباید اشتباه گرفته شود، و نیز در دوران جلال محمد اکبر نیز منظومه تاریخی گمنام به «اکبرنامه»، «همایون نامه» و «شاه جهان نامه» و... سروده شدند. به جرات می‌توان گفت که میزان تالیف به زبان فارسی در دربار گورکانیان هند به مراتب بیشتر از آثار فارسی مربوط به دوره صفویه است و در عین حال برای اثبات این مطلب بررسی فهرست نسخه های خطی موجود در کتابخانه های هند را باید بررسی کنیم و این مطلب را هم ناگفته نگذاریم که باید بررسی شود که میزان علاقه شاعران و فضلای پارسی گوی هند نسبت به شاهنامه و حماسه های دیگر تا چه حدی است، حتی در صنعت چاپ نیز اکثر آثار حماسی و از جمله شاهنامه به دفعات در هندوستان به چاپ رسیده است.

مکتب آناتولی:

ورود زبان فارسی به آناتولی همزمان با تصرف شهرها به وسیله ترکمانان سلجوقی بود. دولت سلجوقیان روم و شهر قونیه علاوه بر پایتخت سیاسی به عنوان پایتخت ادبی یونان در آناتولی نیز به محسوب می‌شد. اما نظیره گویی در خصوص شاهنامه در این قلمرو کمی دیرتر صورت گرفت با این حال بودند رجالی از توس که به این ناحیه مهاجرت کردند و در خصوص تبعیت از فردوسی طبع آزمایی کردند. شاعر اخیر الذکر کللیه و دمنه را در قالب بحر متقارب یعنی همان وزن شاهنامه به نظم در آورده و به سلطان سلجوق تقدیم کرده است، اما در دوره عثمانی علی‌رغم رشد رو به فزون زبان و ادبیات ترکی زبان فارسی نیز به حیات خود ادامه داده و ما شاهد منظومه های مختلف تاریخی در خصوص سلطان سلیم و سلطان سلیمان و سلمان مراد عثمانی... هستیم. متأسفانه هیچکدام از این منظومه ها و نظیره های سروده شده مربوط به دربار عثمانی چاپ نشده اند ولی قطعاً می‌توان میزان تاثیر آنها در بکارگیری بسامد واژه های عاریتی از زبان فارسی را حدس زد وجود نامه هایی مربوط به قهرمانان شاهنامه در میان شاهزادگان و سرداران و رجال عثمانی از میزان علاقه آن به فرهنگ ایران حکایت دارد و از آن جمله نامه های مبادله شده میان سلطان سلیم و شاه اسماعیل است، که در آن سلطان سلیم خود را از تبار فریدون و کیخسرو و شاه اسماعیل را به تبار افراسیاب می‌نویسد، البته شاه اسماعیل هم دقیقاً در جواب نامه های سلطان سلیم مقابله به مثل کرده است (۲۲) در کنار این دو مکتب برون مرزی می‌توان گفت که مکتب بخارا در قلمرو ازبکان قطعاً توجه به شاهنامه فردوسی مد نظر بوده است. هرچند که در تاریخ از ناحیه سلطان ازبک روی خوشی به فردوسی و شاهنامه نشان نداده است و اما در دربار ازبکان نیز به این گونه منظومه اقبال داشته‌اند.

بعد از سقوط صفویان نظیره گویی و خلق حماسه تاریخی مجدداً شروع شد. منظومه کوتاه تاریخی «مکافات نامه» به نوعی غم نامه است سروده شده حماسی - تاریخی در بیان هجوم افغان ها و سپس چند نادر نامه و یا شاهنامه نادری تدوین و سروده شده اند، که از آن جمله می‌توان به «شاهنامه نادری» اثر «محمد علی توسی» اشاره کرد که بیانگر این است که مکتب توس همچنان رجالی را می‌پرورد و از باذلی مشهدی سراینده «حمله حیدری» و «بهمن نامه آذری» نیز بیش از این به عنوان نمونه نام بردیم.

در دوره قاجار باز حماسه های تاریخی پا به پای حماسه های دینی به حیات خود ادامه دادند و به عنوان مثال «شهنشاهنامه» صباى كاشانى را مى توان نام برد، و در دوره ناصر الدین شاه هم منظومه «شاهنامه» الهامی کرمانشاهی را هم می توان بیان کرد، اما آنچه در اواخر دوره قاجاریه جلب توجه می کند، سروده شدن منظومه های کوتاه بر وزن شاهنامه در محیط غیر فارسی زبان در ایران بود. از آن میان منظومه «فتح نامه» فرخی یزدی و «جهانشاهنامه» پریشان را می توان نام برد و علاوه بر آن مقارن اوایل مشروطه و جنگ جهانی اول توجه به شخصیت محبوب برون مرزی ضروری بود که منجر به سروده شدن «میکادو نامه» توسط حسین علی تاجر شیرازی و ستایش از امپراطور ژاپن به دلیل پیروزی روسیه بر ژاپن و «قیصرنامه» در مدح امپراطور ویلهلم اول اثر ادیب پیشاوری است. (۲۲) در این مقطع شاید این گونه مجموعه ها برای افراد محبوب برون مرزی بهترین روش معرفی اشخاص مذکور بوده و راهی برای ترویج و گسترش زبان فارسی در مناطق دیگر بوده است. اما در دوره پهلوی هم منظومه بحر متقارب می توانست بهترین زبان و ساده ترین راه برای یادگیری تاریخ باشد و «شاهنامه» حبیب نوبختی و «شاهکار» سروده معینی کرمانشاهی اقدامی نظیر ظفر نامه حمداله مستوفی بوده و حتی شاعری متخلص به کیوان در عصر حاضر تاریخ واقعی ایران باستان را با عنوان گاهنامه در یک مجلد سروده است و جدیدترین منظومه «ایران نامه» است که بخش هایی از آن به بحر متقارب است.

نتیجه:

با حاکمیت اعراب و ترکان، در ایران قرن چهارم به این شهر علی رغم حاکمیت سه قرن زبان و ادبیات عربی از دوران سامانیان بود که با پیدایش نخستین نمونه های نظم و نثر فارسی طلوع ادبیات فارسی دری را شاهد هستیم. یکی از این بن-مایه ها که بالطبع نقشی بسیار گسترده و حیاتی در ترویج زبان و ادب فارسی دارد، آثار حماسی فارسی چه به نظم و چه به نثر است که اکثر آنها بعد از سرایش شاهنامه فردوسی و به تقلید از آن و در قالب همان وزن متقارب، حماسه های ملی و دینی و تاریخی و تلفیقی و حتی منظومه های صرفاً تاریخی گام مهم و موثری در ترویج زبان و ادبیات فارسی بود. مخصوصاً «مکتب توس» که سرآمد این گونه آثار بود و از طرفی تقلید و تتبع از شاهنامه فردوسی در مناطق برون مرزی نظیر هندوستان و آناتولی نیز نشانگر توجه و اقبال به شاهنامه و تقلید از آن است و این امر یکی از علل رواج و گسترش زبان و ادبیات فارسی در مناطق مذکور بود.

پی نوشت ها:

- ۱- ترجمه مقدمه ژول مول به همت جهانگیر افکاری صورت گرفته که مشخصات کتابشناسی آن به شرح ذیل است، مول، ژول؛ مقدمه شاهنامه فردوسی، ترجمه جهانگیر افکاری، کتابهای جیبی، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، تهران.
- ۲- نولدکه، تئودور؛ حماسه ملی ایران، ترجمه بزرگ علوی، انتشارات نگاه، چاپ اول ۱۳۷۹، تهران.
- ۳- صفا، ذبیح اله؛ حماسه سرایی در ایران - انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۰، تهران.
- ۴- رزمجو، حسین؛ در قلمرو ادبیات حماسی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۱، تهران.
- ۵- فردوسی و شاهنامه سرایی، (مجموعه مقالات همایش بزرگداشت فردوسی)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول، ۱۳۹۰، تهران.
- ۶- کاشغری، محمودبن حسین؛ دیوان لغات/الترک، ترجمه محمد دبیرسیاقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵، تهران. ذیل واژه «آلب آرتونغا».

- ۷- تا سال‌های اخیر حماسه «مهابهاراتا» را به عنوان بزرگترین حماسه ملی دنیا از نظر حجم می‌شناختند اما امروزه داستان منظومه حماسی «ماناس» متعلق به قرقیزها می‌باشد با یک میلیون بیت و ۱۷ جلد به عنوان حجیم‌ترین حماسه جهانی شناخته شده است.
- ۸- در خصوص شیعیان مرو و ایران دوستی آنان ر.ک.به: ریاحی، محمدامین؛ کسایی مروری بررسی زندگی، شعر و اندیشه او، چاپ دوم، ۱۳۶۸، انتشارات توس.
- ۹- منظور همان بیت معروف ناصر خسرو است:   
 خوکان نریزم مرین قیمتی لفظ درّ دری را   
 قبادیانی، حکیم   
 ناصر خسرو؛ دیوان، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۰، صفحه ۱۴۳.
- ۱۰- عنصری بلخی، حکیم ابوالقاسم حسن بن احمد؛ دیوان، به تصحیح محمد دبیرسیاکی، چاپ دوم، ۱۳۶۳، صص: ۱۳۲ و ۳۳۷.
- ۱۱- در این خصوص رجوع شود به مقدمه فاضلانه دکتر شفیعی کدکنی با عنوان «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم» در منبع ذیل: ربیعی، علی‌نامه (چاپ عکسی)، به اهتمام دکتر محمود امیدسالار، انتشارات مرکز نشر میراث مکتوب و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، تهران.
- ۱۲- دقیقی توسی، ابومنصور محمد بن احمد؛ دیوان، به اهتمام دکتر محمد جواد شریعت، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۶۸، تهران، صص: ۱۰۰ و ۱۰۱ و ...
- ۱۳- قبادیانی، حکیم ناصر خسرو؛ سفرنامه، به کوشش نادر وزین‌پور، چاپ هشتم، ۱۳۷۲، تهران، صص: ۸ و ۷.
- ۱۴- ترجمان البلاغه در سال ۱۹۴۹ به تصحیح احمد آتش در استانبول به چاپ رسید و در ایران نیز همان نسخه چاپی به صورت افست با مشخصات زیر به چاپ رسید: رادویانی، محمد بن عمر؛ ترجمان البلاغه، به اهتمام دکتر احمد آتش، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۶۳، تهران.
- ۱۵- البته روایت‌های مختلفی از برزنامه است که منظور ما روایت کهن تری است که بخش‌هایی از آن به شاهنامه الحاق شده است و متن کامل آن توسط مرکز نشر میراث مکتوب زیر چاپ است.
- ۱۶- نباید فراموش کرد که انتساب قطعی شهریارنامه به عثمان مختاری معلوم نیست.
- ۱۷- جوینی، علاء‌الدین عطاملک؛ تاریخ جهانگشای جوینی، جلد دوم، انتشارات ارغوان، چاپ چهارم، ۱۳۷۰، تهران، صفحه: ۳۱.
- ۱۸- ربیعی؛ علی‌نامه، همان؛ ۵ و ۲۲ و ۱۶۱ و ۲۵۹ و ۳۶۱.
- ۱۹- حمزه‌نامه به همت دکتر جعفر شعار در سال‌های قبل توسط انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب (علمی و فرهنگی) منتشر شده است.
- ۲۰- رستم‌نامه؛ اثر سراینده ناشناس، به کوشش سجاد آیدین‌لو، انتشارات مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۷، چاپ اول، تهران.
- ۲۱- در خصوص تطبیق چهره اسکندر در اسکندرنامه نظامی و شاهنامه فردوسی به منبع زیر رجوع شود: بیگدلی، غلامحسین؛ چهره اسکندر در شاهنامه و اسکندرنامه، انتشارات آفرینش، چاپ اول، تهران ۱۳۶۹.
- ۲۲- تاجر شیرازی، حسینعلی؛ میکادونامه، به اهتمام علی میر انصاری، ضمیمه شماره نهم مجله آینه میراث، ۱۳۸۵، تهران.

# SID



ابزارهای  
پژوهش



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری  
STES



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش  
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی  
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش  
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش  
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word  
برای پژوهشگران